

۵. مطالعه کتاب مقدس در باب جنگ روحانی: درک اقتدار عیسی بر شیطانی

جنگ روحانی: غلبه بر شر

لینک ویدیوی یوتیوب با زیرنویس به ۷۰ زبان: <https://youtu.be/drb4ZjVbiFg>

جنگ روحانی و قدرت اقتدار مسیح

در این مطالعه، که بخشی از مجموعه ما در مورد نبرد روحانی است، ما مفهوم اطمینان بخش اقتدار مسیح را بررسی می‌کنیم. نبرد از آن خداوند است و ما تحت اقتدار او هستیم. در قلب تمام خدمتها، قلب خداوند قرار دارد. در میان این نبرد آسمانی، هر آنچه را که با آن روبرو می‌شویم، محبت خدا ما را ایمن نگه می‌دارد و ما را ترغیب می‌کند تا دیگران را آزاد شده ببینیم. آیا هفت پسر سوا را به یاد دارید؟ (اعمال رسولان ۱۹: ۱۳-۱۶). آنها مردان یهودی نجات‌یافته‌ای بودند که می‌خواستند جن‌گیر شوند. آنها شاهد بیرون راندن شیطانی توسط پولس رسول به نام عیسی بودند. آنها نام را می‌دانستند و رفتار را تقلید کردند، اما ناموفق بودند. آنها چه چیزی را کم داشتند؟ آنها تحت اقتدار مسیح عمل نکردند. اگرچه نام او را به کار بردند، اما با مسیح رابطه‌ای نداشتند. آنها در افسوس توسط مردی که جن زده بود مغلوب شدند و به شدت کتک خورده رفتند، زیرا خودشان محبت خدا را نمی‌شناختند، بنابراین محبت انگیزه خدمت آنها نبود.

چه چیزی آنها را به تلاش برای رهایی کسی از شیطانی واداشت؟ ممکن است این میل به شهرت یا جستجوی خودتکمیل شدن از طریق خدمتی شبیه به خدمت پولس بوده باشد. شاید آنها در نهایت به درک واقعی از مسیح و کار او دست یافتند. این داستان به ما یادآوری می‌کند که رابطه با مسیح برای هر خدمتی، به‌ویژه هنگام رویارویی با شر، ضروری است. برخی افراد دچار وسواس ناسالم نسبت به شیطانی می‌شوند و نفوذ آنها را همه‌جا می‌بینند. داشتن محبت خدا و هدف رهایی دیگران از نفوذ شیطانی، به جلوگیری از این شیفتگی ناسالم کمک می‌کند.

شهادت شخصی: رویارویی با آزار و اذیت شیطانی

در ۲۶ سالگی، به عنوان یک مؤمن جوان، متقاعد شدم که باید یاد بگیرم با اقتدار مسیح عمل کنم. ما با مردی آشنا شدیم که تحت تأثیر مادرش، که به گفته خودش در یک فرقه بود، و پدرش، که یک جادوگر بود، بزرگ شده بود. همسر، سندی، و من هر دو احساس می‌کردیم که در رفتار او چیزی بسیار متفاوت، و حتی عجیب، وجود دارد. در آن زمان از زندگی‌مان، ما در مورد مفاهیمی مانند تسخیر شدن توسط شیطانی کاملاً ساده‌لوح بودیم، اما به اندازه‌ای می‌دانستیم که بفهمیم عیسی می‌تواند به او کمک کند، بنابراین تصمیم گرفتیم او را با خود به کلیسا ببریم. آن زمان ما یک مینی کوپر کوچک داشتیم، بنابراین با او در صندلی عقب به مسافت ۳۰ مایل، یعنی فاصله خانه ما در انگلستان تا کلیسا، رانندگی کردیم. آن سفر و گفتگو بسیار طولانی و بسیار ناخوشایند بود. ما هیچ تصویری نداشتیم که آن شب چه در انتظارمان است.

همین‌طور که رانندگی می‌کردیم، او شروع به تعریف کردن کمی از خودش کرد. اول به ما گفت که او دجال است، همان حاکم شروری که در آخرالزمان بر زمین حکومت خواهد کرد. سپس گفت صداهایی در درونش به او می‌گفتند که باید ما را آزار دهد تا «ما را به هم نزدیک‌تر کند». وقتی به نیمه راه کلیسا رسیدیم، هوا بسیار مه‌آلود شد و او گفت که اتفاقی برای ما در جاده خواهد افتاد. همان‌طور که او این کلمات را گفت، یک ماشین از عقب به ما زد و ماشین‌مان را کاملاً از کار انداخت. هیچ‌کدام از ما آسیبی ندیدیم و با این حال توانستیم با او به کلیسا برسیم، جایی که رهبران کلیسا به او رسیدگی کردند. این تجربه مرا متقاعد کرد که هر دوی ما چیزهای بسیار کمی در مورد مقابله با قلمرو شیطانی می‌دانستیم. این مرد مبتلا به احتمالاً برای سرکوب روحانی‌ای که تحت تأثیر آن بود، به کمک‌های روانی و معنوی هر دو نیاز داشت. ما دیگر هرگز او را ندیدیم و نمی‌دانم بعد از آن چه بر سرش آمد. ما به نام عیسی برای او دعا کردیم و امیدوارم زمانی که با او گذرانیم به او کمک کرد تا ببیند که عیسی او را دوست داشت. امیدوارم روزی او را در بهشت ببینیم.

همزمان که یاد می‌گرفتیم به دیگران خدمت کنیم، با چندین رویارویی با نیروهای تاریکی در افرادی مواجه شدیم که به طرق غیرمعمولی به انجیل یا نام عیسی واکنش نشان می‌دادند. می‌خواستم یاد بگیرم چگونه به افرادی مانند مردی که با او ملاقات

کردیم کمک کنم، بنابراین کتاب‌های مختلفی در این زمینه خواندم. رهایی از آزار روحانی موضوعی بسیار مهم است، به‌ویژه در زمان ما. همزمان که جهان ما تاریک‌تر می‌شود، مردم نیاز دارند که نور عیسی را درخشان‌تر ببینند. از همان روزهای اول زندگی مسیحی‌ام، شاهد آزاد شدن افرادی بوده‌ام. اگرچه یک تجربه اولیه شامل دعا و در برخی موارد، یک واکنش احساسی وجود دارد، من دریافته‌ام که رهایی از ستم روحانی مستلزم یادگیری زندگی در آزادی است و اغلب یک فرآیند است.

کتاب مقدس درباره منشأ شیاطین چه می‌گوید؟

در مطالعات اخیر خود، نامه به افسسیان ۶:۱۲ را تحلیل کردیم و دریافتیم که پولس رسول اشاره کرده است که شیطان حداقل چهار نوع روح پلید مختلف را فرمانروایی می‌کند. ما همچنین بررسی کردیم که چگونه این فرشتگان شریر برای فاسد کردن بشریت به زمین نفوذ می‌کنند. منشأ این ارواح در کتاب مقدس مشخص نشده است، که این امر به نظریه‌های مختلفی منجر شده است—هیچ‌کدام را نمی‌توان به طور قطعی تأیید کرد. جوزیفوس، یک مورخ یهودی از دوره‌ای اندکی پس از عصر مسیح، معتقد بود که شیاطین ارواح انسان‌های شریر مرده هستند، هرچند هیچ آیه‌ای از کتاب مقدس این موضوع را تأیید نمی‌کند. برخی معتقدند که شیاطین فرشتگان سقوط کرده‌ای هستند که مهار نشده‌اند، در حالی که دیگران، از جمله خود من، فکر می‌کنند آنها فرزندان فرشتگان شرور سقوط کرده‌ای هستند که پیش از طوفان با زنان بشر جفت‌گیری کرده‌اند و نسل آنها در پیدایش ۶: ۸-۱ کشته شده‌اند. در نهایت، منشأ آنها به اندازه درک چگونگی مقاومت در برابر نفوذشان و بازپس‌گیری سرزمینی که در زندگی مردم تصاحب کرده‌اند، اهمیت ندارد.

زندگی در سرزمین اشغالی دشمن: واقعیت نبرد روحانی

ما در برابر نیروهای نادیدنی می‌جنگیم، اما این موضوع به واقعی بودن آنها کم و بیش نمی‌افزاید. اگرچه بهشت خانه واقعی ماست، اما در حال حاضر در قلمرویی هستیم که تحت کنترل دشمن است. در طول جنگ جهانی دوم، اگر در سال ۱۹۴۱ پس از اشغال فرانسه توسط آلمان‌ها در آن کشور زندگی می‌کردید، در سرزمینی تحت اشغال دشمن به سر می‌بردید. شما بخشی از جنگ بودید، چه آن را بپذیرید چه نپذیرید. به عنوان یک پیرو مسیح، شما نیز در قلمرو دشمن زندگی می‌کنید، و اگر تهدیدی نباشید، ممکن است به شما اجازه دهد در آرامش بخوابید. با این حال، به محض اینکه به ندای ایستادگی برای پادشاهی خدا پاسخ دهید، نبرد آشکار می‌شود. در این کشمکش روحانی، هیچ طرف بی‌طرف یا منطقه امنی وجود ندارد—یا با او هستید یا علیه او (متی ۱۲: ۳۰). بسیاری از مردم از نبرد جاری برای خانواده‌ها، ملت‌ها و جهان خود بی‌خبر و در خواب باقی می‌مانند. شیطان، دشمن ما، می‌کوشد تا مؤمنان را از استراتژی‌های خود بی‌خبر نگه دارد.

به محض اینکه عیسی توسط یوحنا تعمید یافت، جنگ علیه او و پادشاهی‌اش آغاز شد. بلافاصله، او در بیابان در حالی که چهل روز روزه گرفته بود، با وسوسه‌های شیطانی روبرو شد. او از آن آزمون با قدرت روح بیرون آمد (لوقا ۴: ۱۴). انجیل مرقس گزارش می‌دهد که اولین موعظه مسیح در کنیسه کفرناحوم توسط مردی که تسخیر شده بود و روحی پلید داشت، قطع شد:

«آنها به کفر نوم رفتند و وقتی روز شنبه فرا رسید، عیسی وارد کنیسه شد و شروع به تعلیم کرد.^{۲۲} مردم از تعلیم او حیران شدند، زیرا او مانند کسی تعلیم می‌داد که اختیار دارد، نه مانند کاتبان شریعت.^{۲۳} درست در همان هنگام، مردی از آن جماعت که روح ناپاک در او بود، فریاد کشید،^{۲۴} «ای عیسی ناصری، با ما چه کار داری؟ آیا برای نابود کردن ما آمده‌ای؟ می‌دانم تو کیستی—قدیس خدا!»^{۲۵} عیسی با قاطعیت به او گفت: «ساکت باش! از او بیرون بیا!»^{۲۶} روح ناپاک آن مرد را به شدت تکان داد و با فریادی از او بیرون آمد.^{۲۷} مردم همه چنان شگفت‌زده شدند که به یکدیگر گفتند: «این چه بود؟ تعلیمی نو—او حتی به ارواح ناپاک امر می‌کند و آنها از او اطاعت می‌کنند.»^{۲۸} خبر او به سرعت در تمام منطقه جلیل منتشر شد (مرقس ۱: ۲۸-۲۹).

متی ۱: ۲۸-۲۹ را با دقت بررسی کنید. شیطان تا زمانی که عیسی با اقتدار واقعی به تعلیم دادن پرداخت، در کنیسه کاملاً ساکت ماند. به نظر شما چرا نیروهای شرور ترجیح می‌دهند در محیط‌های مذهبی راحت پنهان بمانند؟ چه چیزی آنها را امروز برمی‌انگیزد تا خود را آشکار سازند؟

تا آنجا که می‌دانیم، آیات فوق اولین موعظه‌ای را که عیسی ایراد کرد ثبت می‌کنند، و در میانه سخنرانی، شیاطین ظاهر شدند. شیطان عمدتاً ترجیح می‌دهد حضور و کار خود را پنهان نگه دارد، اما از اقتدار مسیح می‌ترسد و هنگامی که نور جهان در تاریکی می‌درخشد، نمی‌تواند در سایه‌ها بماند. هر پیشرویی در قلمرو نور، واکنشی از سوی قلمرو تاریکی برانگیخته می‌کند، و شیطان از کسانی که کارهای او را بر ملا می‌کنند می‌ترسد، زیرا این امر برتری خدا را بر قلمرو شیطان نشان می‌دهد. تا پایان اولین موعظه مسیح در کفرناحوم، همه مردم با هیجان در حال انتشار این خبر بودند که مسیحا آمده است. آنها دوستان بیمار و جن‌زده خود را به خانه‌ای آوردند که عیسی به تازگی مادرزن پطرس را در آن شفا داده بود:

۲۲ آن شب پس از غروب آفتاب، مردم همه بیماران و کسانی را که جن زده بودند نزد عیسی آوردند. ۲۳ تمام شهر در دم در جمع شده بودند، ۲۴ و عیسی بسیاری را که بیماری‌های گوناگون داشتند شفا داد. او همچنین ارواح پلید بسیاری را بیرون راند، اما اجازه نمی‌داد ارواح پلید سخن بگویند زیرا می‌دانستند او کیست (مرقس ۱: ۳۲-۳۴؛ تأکید ماست).

هر جا عیسی می‌رفت، درگیری به دنبالش بود. گاهی این درگیری از واکنش‌های حاکمان مذهبی بی‌ایمان آن زمان ناشی می‌شد و گاهی از واکنش‌های شیاطین. به نظر من، عیسی اجازه نداد شیاطین درباره هویت او سخن بگویند، زیرا زمانش هنوز فرا نرسیده بود. هرچه مسیح به صلیب نزدیک‌تر می‌شد، حملات دشمن شدیدتر می‌شد. دشمنان او ادعا می‌کردند که او شیاطین را به قدرت رئیس شیاطین بیرون می‌کند (متی ۹: ۳۴). خداوند اجازه نمی‌داد شیاطین از طریق مردم سخن بگویند. او شیاطین را ساکت کرد و آنها را بیرون راند. تاریکی باید هنگام آمدن مسیح که نور، شفا و حیات خود را به همراه دارد، فرار کند!

جالب است که مشاهده کنیم روش‌های عیسی برای بیرون راندن شیاطین متفاوت بود. گاهی شفاها از طریق اقتدار بر ارواح پلید حاصل می‌شد؛ و گاهی دیگر از طریق لمس او و فرمان‌های گفتاری‌اش. همه بیماری‌ها ناشی از ستم شیاطین نبودند — برخی به گناهان اجدادی مربوط بودند، در حالی که برخی دیگر چنین نبودند. مردم واکنش‌های متفاوتی نشان دادند: برخی در حین دعاها می‌زدند، برخی دیگر ساکت می‌ماندند. با این حال، یک نکته ثابت در خدمت عیسی، شفقت او بود و او تنها کاری را انجام می‌داد که از پدر می‌دید (یوحنا ۵: ۱۹-۲۰). درک این موضوع حیاتی است که ارواح بی‌جسم واقعی هستند و عیسی بر تمام نیروهای شرور اقتدار دارد. یوحنا رسول می‌گوید: «پسری خدا ظاهر شد تا کارهای ابلیس را نابود سازد» (اول یوحنا ۳: ۸). عیسی آمد تا تمام کارهای دشمن را از بین ببرد، نابود کند و انسانیت را از آنها رهایی بخشد. هیچ‌یک از کارهایی که دشمن در زندگی شما — یا در زندگی عزیزانتان — انجام داده است، نمی‌تواند در برابر قدرت عیسی برای از بین بردن آن مقاومت کند. او اختیار نهایی را بر دشمن دارد. قدرت در نام عیسی و در موافقت ما با کلام و اراده او نهفته است.

نشانه‌های کتاب مقدسی نفوذ و تسخیر شیطانی

همانطور که قبلاً در این مجموعه ذکر شد، ارواح شیطانی در قلمرویی نامرئی فراتر از ادراک فیزیکی ما وجود دارند. آنها دائماً به دنبال فرصت‌هایی برای ورود به خانه یک شخص - یعنی بدن او - و ابراز اراده، افکار، احساسات و نیت‌های شریر خود هستند. پیش از آنکه وارد شوند، از بیرون عمل می‌کنند و سعی دارند با تشویق به گناهان مکرر، بر زندگی فرد تأثیر بگذارند. اغلب دشوار است لحظه‌ای را که در آن نفوذ می‌کنند مشخص کرد، لحظه‌ای که سپس فرد را به سوی گناهان خاصی سوق می‌دهد. اگرچه این ارواح هوشمند هستند، اما فاقد بدن فیزیکی بوده و به دنبال میزبانانی می‌گردند تا شروریشان را متجلی سازند. بدون میزبان، تا زمانی که یکی را به دست نیاورند، آرام نمی‌یابند. عیسی درباره ارواح پلید که مشتاق یک خانه (یک بدن) هستند، سخن گفت:

۲۴ وقتی روح ناپاک از انسانی بیرون می‌رود، در مکان‌های خشک و بی‌آب و علف به دنبال آرامش می‌گردد و آن را نمی‌یابد. سپس می‌گوید: «به خانه‌ای که از آن بیرون رفتم باز می‌گردم.» ۲۵ وقتی باز می‌گردد، خانه را جارو شده و مرتب می‌یابد. ۲۶ آنگاه می‌رود و هفت روح دیگر را که از خود شریرترند، با خود می‌آورد و آنها وارد شده در آنجا ساکن می‌شوند. و وضعیت نهایی آن مرد از اولی بدتر می‌شود (لوقا ۱۱: ۲۴-۲۶).

عیسی هشدار می‌دهد که «خانه‌ای تمیز و جارو شده» که خالی بماند، در برابر تسخیر شوم‌تر توسط شیاطین بسیار آسیب‌پذیر است. در شاگردی مدرن، تلاش برای «تمیز کردن زندگی‌مان» بدون آنکه در واقع خود را با روح القدس پر کنیم، چه شکلی دارد؟ چگونه می‌توانیم از دام اصلاح صرفاً خودمحورانه بپرهیزیم؟

هنگامی که یک روح ناپاک بیرون رانده می‌شود، جای خالی‌ای بر جای می‌گذارد که حتماً پر خواهد شد. فردی که در این وضعیت قرار دارد، اگر خدا را نجوید و اجازه ندهد حضور او آن فضای خالی را در زندگی‌اش پر کند، آسیب‌پذیر خواهد بود. تنها خدا می‌تواند نجات بخشد و تنها اوست که می‌تواند آزادی حقیقی را ببخشد. یک خانه تمیز نشانگر خوداصلاحی است. ما با خلأیی به شکل خدا در زندگی‌مان آفریده شده‌ایم که تنها پروردگار، که بر تخت قلب‌های ما نشسته است، می‌تواند آن را ارضا کند. هنگامی که مانع طبیعی (حصار، همانند ایوب ۱: ۱۰) بر سر راه زندگی‌مان توسط گناه و هجوم شیاطین شکسته می‌شود، تنها روحی که می‌تواند کمال، پاکی و طهارت را به ارمغان آورد، حضور روح القدس در درون ماست. روح القدس زمانی در ما ساکن می‌شود که ما خداوندگار عیسی مسیح را در زندگی خود بپذیریم. خودسازی کافی نیست. بدون آنکه مسیح بر تخت مرکز زندگی ما تکیه زند، شریری که مجبور به ترک شده است می‌تواند بازگردد و یکی یا چند روح قوی‌تر را نیز با خود همراه آورد. پولس رسول می‌نویسد:

آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدس است، آن روحی که در شماست و از خدا دریافت کرده‌اید؟ شما مال خود نیستید؛ شما به قیمتی خریده شده‌اید. پس با بدن خود خدا را گرامی بدارید (اول قرنتیان ۶: ۱۹-۲۰).

پولس توضیح می‌دهد که ما طوری آفریده شده‌ایم که در درونمان فضایی برای سلطنت خود خدا در معبد روحمان وجود داشته باشد. نمی‌دانم وضعیت شما چگونه است، اما قبل از آنکه مسیح جایگاه خود را بر آن تخت بگیرد، من زندگی‌ام را به خوبی مدیریت نمی‌کردم (غلاطیان ۲: ۲۰).

آیا شیاطین می‌توانند باعث بیماری و ناخوشی جسمانی شوند؟

جن‌ها باعث هر بیماری جسمی نمی‌شوند، اما برخی از آیات کتاب مقدس نشان می‌دهند که گاهی اوقات یک وضعیت جسمی پیچیده‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. برای مثال، در انجیل مرقس، فصل ۹، عیسی روحی را از کودکی بیرون می‌کند که پدرش شهادت داده بود پسرش ناشنوا است زیرا جن او را تسخیر کرده بود:

۱۷ «مردی از میان جمعیت پاسخ داد: «ای استاد، پسر مرا نزد تو آورده‌ام، کسی که تسخیر شده و لال است. ۱۸ هر وقت بر او مسلط می‌شود، او را به زمین می‌افکند. از دهانش کف می‌آید، دندان‌هایش را به هم می‌ساید و خشک می‌شود. از شاگردان تو خواستم این روح را بیرون برانند، اما نتوانستند.» ۱۹ عیسی پاسخ داد: «ای نسل بی‌ایمان! تا کی با شما خواهم بود؟ تا کی باید شما را تحمل کنم؟ پسر را نزد من بیاورید.» ۲۰ پس او را آوردند. وقتی روح، عیسی را دید، فوراً پسر را به تشنج انداخت. پسر به زمین افتاد و غلت می‌زد و از دهانش کف می‌آمد. ۲۱ عیسی از پدر پسر پرسید: «چندی است که او این‌گونه شده است؟» او پاسخ داد: «از کودکی.» ۲۲ «بارها او را برای کشتن به آتش یا آب انداخته است. اما اگر شما می‌توانید کاری بکنید، به حال ما رحم کنید و به ما کمک کنید.» ۲۳ عیسی گفت: «اگر می‌توانی؟» «هر چیزی برای کسی که ایمان دارد ممکن است.» ۲۴ فوراً پدر پسر فریاد زد: «ایمان دارم؛ به من کمک کن تا بر بی‌ایمانی‌ام غلبه کنم!» ۲۵ وقتی عیسی دید که جمعیتی به سوی آن محل می‌دوند، روح پلید را سرزنش کرد و گفت: «ای روح کر و لال، به تو امر می‌کنم، از او بیرون بیا و دیگر هرگز داخل او نشو.» ۲۶ روح فریاد کشید، پسر را به شدت تکان داد و از او بیرون آمد. پسر چنان شبیه مرده شده بود که بسیاری گفتند: «مرده است.» ۲۷ اما عیسی دست او را گرفت و او را به پاهایش بلند کرد و پسر به پا خاست (مرقس ۹: ۱۷-۲۷).

امروزه، اکثر پزشکان می‌گویند که وضعیت این پسر ناشی از یک مشکل روانی بوده و احتمالاً او را به بیمارستان، شاید به بخش روانپزشکی، می‌فرستادند. با این حال، این پسر همچنین هنگام افتادن روی زمین، از دهانش کف می‌کرد، دندان‌هایش را به هم می‌ساید و سفت و خشک می‌شد. عیسی چگونه با این وضعیت برخورد کرد؟ او با شریر درون پسر سخن گفت و روح را سرزنش کرد و گفت: «روح کر و لال، به تو امر می‌کنم که از او بیرون برو و دیگر هرگز داخل او نشو» (مرقس ۹: ۲۵).

واژه یونانی که در آیه ۲۵ به «توبیخ کرد» ترجمه شده است، «*Epitimaō*» است. بر اساس کتاب «مطالعه واژگان کلیدی» من، این واژه می‌تواند به معنای «ملامت کردن، سرزنش کردن، توبیخ کردن، اخطار دادن یا سرزنش شدید» باشد و اصلاحی تند، مستقیم و قاطع را منتقل می‌کند. چرا این موضوع اهمیت دارد؟ زیرا من باور ندارم که عیسی به این شیوه با آن پسر

صحبت کرده باشد. پسرک ناشنوا و لال بود، بنابراین نه می‌توانست فرمان را بشنود و نه می‌توانست به آن پاسخ دهد. عیسی با روحی که در درون او بود سخن می‌گفت و آن روح اطاعت کرد و رفت. پس از آنکه روح شریب رفت، ذهن و بدن پسرک کاملاً بهبود یافت. ما در مطالعه‌ای بعدی به این آیه باز خواهیم گشت تا بینش‌های بیشتری به دست آوریم، اما فعلاً بیایید به آیه‌ای دیگر در متی ۹:

۲۲ در حالی که آنها بیرون می‌رفتند، مردی که جن‌زده بود و نمی‌توانست صحبت کند، نزد عیسی آورده شد. ۲۳ و هنگامی که جن بیرون رانده شد، مردی که لال بود سخن گفت. جمعیت حیرت‌زده گفت: «هیچ‌گاه چیزی مانند این در اسرائیل دیده نشده است.» ۲۴ اما فریسیان گفتند: «او جن‌ها را به وسیله رئیس جن‌ها بیرون می‌کند.» (متی ۹: ۳۲-۳۴).

تجلی شیطانی که در بالا توصیف شد، در موقعیتی متفاوت از موردی که به تازگی بررسی کردیم رخ داد، زیرا متی به ما می‌گوید این حادثه شامل مردی بالغ بود (آیه ۳۲). کتاب مقدس نمی‌گوید که عیسی مردی را که قادر به صحبت کردن نبود شفا داد. در عوض، مسیح روح را بیرون راند و با رفتن آن روح، مرد دوباره قادر به برقراری ارتباط شد. یک روح چگونه می‌تواند مانع صحبت کردن یک شخص شود؟ من نمی‌دانم. تمام آنچه می‌توانم از کتاب مقدس به شما بگویم این است که ارواح شریر می‌توانند بر بدن‌های فیزیکی تأثیر بگذارند. بیایید مثال دیگری را در فصل سیزدهم لوقا بررسی کنیم:

۱۰ یک روز شنبه عیسی در یکی از کنیسه‌ها تعلیم می‌داد، ۱۱ و زنی آنجا بود که هجده سال بود به روحی معلول شده بود. او خمیده بود و اصلاً نمی‌توانست صاف شود. ۱۲ وقتی عیسی او را دید، او را صدا کرد و به او گفت: «ای زن، از این ناخوشی رها شده‌ای.» ۱۳ سپس دست‌های خود را بر او گذاشت و او بلافاصله صاف شد و خدا را ستایش کرد. ۱۴ رئیس کنیسه که از اینکه عیسی در روز شنبه شفا داده بود خشمگین بود، به مردم گفت: «شش روز برای کار وجود دارد. پس در آن روز‌ها بیایید و شفا یابید، نه در روز شنبه.» ۱۵ خداوند به او پاسخ داد: «ای ریاکاران! آیا هیچ‌یک از شما در روز شنبه گاو یا الاغ خود را از اصطبل باز نمی‌کند و آن را بیرون نمی‌برد تا آب بخورد؟ ۱۶ پس آیا این زن، که دختر ابراهیم است و شیطان او را هجده سال تمام بسته نگه داشته است، نباید در روز شنبه از آنچه او را بسته بود آزاد شود؟» ۱۷ وقتی او این را گفت، همه مخالفانش خجل شدند، اما مردم از همه کارهای نیک و شگفت‌انگیزی که او انجام می‌داد، شادمان شدند (لوقا ۱۳: ۱۰-۱۷).

این رویداد قابل توجه زمانی رخ داد که یک روح پلید در کنیسه متجلی شد. این روح سعی داشت در درون زن پنهان و ساکت بماند، زنی که شاید حتی نمی‌دانست این روح باعث بیماری‌اش شده است. این روح با حضور او در کلیسا (کنیسه) مشکلی نداشت. تا آنجا که می‌دانیم، هیچ نشانه‌ی دیگری از حضور روح پلید در زندگی آن زن وجود نداشت.

عیسی فراتر از وضعیت جسمانی، به روحی که پشت این ناتوانی بود می‌نگریست. او توجه را به خود جلب نکرد؛ بلکه مسیح به سراغ او رفت. او آن صبح در میان جمعیت او را دید و وضعیتش را تشخیص داد. با اینکه روز شنبه بود، زمانی که شفا دادن توسط رهبران یهودی کار محسوب می‌شد، او با وجود واکنش احتمالی، شجاعانه به نیاز زن رسیدگی کرد و کلمه‌ای از حکمت را به کسانی عرضه داشت که با شفا دادن در روز شنبه مخالف بودند. اگر این زن امروز در یکی از کلیساهای ما بود، اکثر مردم وضعیت او را به یک بیماری نسبت می‌دادند، اما عیسی گفت که این یک روح بود که او را با زنجیرهای نامرئی بسته بود. او نگفت: «ای زن، از ناخوشی‌ات شفا یافته‌ای»، بلکه گفت: «ای زن، از ناخوشی‌ات آزاد گشتی» (آیه ۱۲). پاسخ رهبران مذهبی نشان می‌دهد که دلشان کجا بود. آیه چهاردهم می‌گوید که آنها خشمگین شدند—واژه‌ای بسیار قوی، به‌ویژه با در نظر گرفتن شادی‌ای که آن زن باید از رهایی از بیماری ناشی از روح، احساس کرده بود (آیه ۱۴). هنگامی که عیسی رهبران مذهبی را به خاطر نگرش منفی‌شان نسبت به آن زن پس از شفا یافتنش در روز شنبه سرزنش کرد، او را به عنوان کسی که بسته شده بود توصیف نمود (آیه ۱۶). واژه یونانی که به «بسته» ترجمه شده است به معنای بستن، محکم کردن یا گره زدن است، گویی با زنجیر یا طناب. او اهمیت می‌داد که حتی یک روز دیگر هم نگذرد تا این زن از ستم دشمن رها شود. نه حتی یک روز دیگر!

یک گروه کوچک چگونه می‌تواند به طور سالم تفاوت بین یک مشکل سلامت جسمی/روانی (مانند افسردگی شیمیایی یا سوء تغذیه) و یک حمله معنوی مستقیم را تشخیص دهد؟ چرا نادیده گرفتن هر یک از این دو جنبه خطرناک است؟

تمام افسردگی و دل‌مردگی در زندگی مردم ناشی از شیطانی‌سازی توسط یک روح شریر نیست. اغلب، مشکلات از رژیم غذایی نامناسب، کمبود ورزش، یا کمبود مواد معدنی و مغذی ضروری که به دلیل روش‌های مدرن تولید غذا دیگر دریافت نمی‌کنیم، ناشی می‌شوند. مواردی وجود دارد که افراد از منابع خارجی تحت ستم قرار می‌گیرند. یکی از بزرگترین واعظان جهان، چارلز هادن اسپرجین، به افسردگی شدید مبتلا بود که به باور من، علت آن، مخالفت روحانی شیطانی مرتبط با موعظه‌هایش در لندن و همچنین این واقعیت بود که موعظه‌های او از طریق گسترش امپراتوری بریتانیا در آن زمان، رونویسی و در دورترین نقاط زمین منتشر می‌شد.

در این بخش از لوقا ۱۳، روح شریر وارد بدن شد و باعث بدشکلی در ستون فقرات گردید. نکته دیگری که عیسی به آن اشاره می‌کند این است که آن زن مؤمن بود؛ او به او به عنوان دختری از نسل ابراهیم که شیطان او را بسته بود (آیه ۱۶) اشاره می‌کند. پولس رسول می‌نویسد که کسانی که ایمان می‌آورند، چه یهودی و چه غیریهودی، فرزندان ابراهیم هستند (غلاطیان ۳: ۶-۹؛ رومیان ۴: ۱۶). این زن، دختری از نسل ابراهیم، تسخیر شده بود، که این مسئله سؤال مهمی را مطرح می‌کند:

آیا یک مسیحی می‌تواند تسخیر یا جن‌زده شود؟

من معتقدم که روحی نمی‌تواند به مسیحی که در روح گام برمی‌دارد و جان خود را بر صلیب نهاده است، دسترسی پیدا کند. با این حال، همه مسیحیان این‌گونه زندگی نمی‌کنند. برخی از پاک‌ی و قداست زندگی خداترسانه منحرف شده‌اند، شاید به این دلیل که به آنها آموزش داده نشده چگونه یک زندگی مسیح‌محور داشته باشند. هنگامی که به وسوسه توجه و از آن اطاعت می‌شود، این به دشمن فرصتی می‌دهد تا ایمانداران را از طریق جهل یا نافرمانی به دام اندازد. باور من به امنیت ابدی مؤمن در مسیح (یوحنا ۶: ۳۹؛ یوحنا ۵: ۲۴) استوار باقی می‌ماند، اما دشمن همچنان می‌تواند اثربخشی ما را هنگامی که به عنوان مؤمنان در این جهان زندگی می‌کنیم، محدود کند.

من باور ندارم که یک مسیحی یا غیرمسیحی بتواند به معنای کامل کلمه تسخیر شود. اصطلاح «تسخیر» به شخصی اشاره دارد که تحت کنترل کامل و مطلق شیاطین است. با این حال، حتی شدیدترین مورد شیطانی در کتاب مقدس، مردی که تحت کنترل لژیون بود (مرقس ۵: ۱-۲)، به محض دیدن عیسی به سوی او دوید. اگر شیاطین کنترل کاملی بر آن مرد داشتند، باعث می‌شدند که او در جهت مخالف بدود! شیاطین از عیسی وحشت دارند! نویسنده، جان ویمبر، در مورد این سؤال اظهار نظر کرد:

من باور ندارم که شیاطین بتوانند انسان‌ها را در حالی که هنوز روی زمین زندگی می‌کنند، کاملاً از آن خود کنند؛ حتی زمانی که شیاطین به درجه بالایی از کنترل دست می‌یابند، انسان‌ها همچنان می‌توانند از میزانی از اراده آزاد برخوردار باشند که ممکن است به رهایی و نجات منجر شود. واژه یونانی به کار رفته برای «داشتن جن» (daimonizomenoi) به معنای واقعی‌تر «جن‌زده» (demonized) ترجمه می‌شود (متی ۴: ۲۴؛ مرقس ۱: ۳۲؛ لوقا ۸: ۳۶؛ یوحنا ۱۰: ۲۱)، که به معنای تحت تأثیر، گرفتار یا به نوعی شکنجه‌شده توسط قدرت شیطانی بودن است.^۱

من معتقدم که یک مسیحی می‌تواند تسخیر شده و تحت تأثیر قرار گیرد، اما لزوماً جن‌زده (مالکیت شیطان) نشود.

چگونه ارواح شریر به ذهن و افکار حمله می‌کنند

جن‌ها می‌توانند بر افکار مسیحیان و کسانی که هنوز ایمان نیاورده‌اند تأثیر بگذارند. به ما گفته شده است که به هر روحی ایمان نیاوریم، بلکه روح‌ها را ببازماییم تا ببینیم آیا از خدا هستند یا نه (اول یوحنا ۴: ۱). پولس رسول به شاگرد جانش تیموتائوس نوشت و به او دستور داد که با ملائمت به مخالفانش تعلیم دهد، به این امید که از چنگال شیطان رها شوند:

^۱ جان ویمبر، شفا با قدرت، هارپرکالینز، صفحه ۱۰۹.

«مخالفتان را باید با ملایمت تعلیم داد، به این امید که خدا به ایشان توبه عنایت فرماید تا به شناخت حقیقت نایل آیند،
 و به هوش آیند و از دام شیطان رهایی یابند، کسی که ایشان را اسیر کرده تا به اراده او عمل کنند (دوم تیموتائوس
 ۲:۲۵-۲۶؛ تأکید از ماست).

کسانی که در رسانه‌ها و دیگر افراد تأثیرگذار اطراف ما هستند، اگر اجازه دهیم، می‌توانند از طریق فریب، تصمیم‌گیری ما را دستکاری کنند. مردم اغلب نمی‌دانند که نیروهای روحانی شرور می‌توانند افکاری را در ذهنشان بکارند و سعی کنند تصمیماتشان را تحت تأثیر قرار دهند. پولس درباره کسانی می‌نویسد که «به اسارت درآمده‌اند تا اراده او را به انجام برسانند» (دوم تیموتا ۲:۲۶). شیاطین حتی ممکن است از طریق خانواده و دوستان ما سخن بگویند. اغلب، عزیزان ما از اینکه چرا افکار خاصی را که از خودشان سرچشمه می‌گیرد بیان می‌کنند، بی‌خبر هستند. در چنین مواقعی، از نظر روحانی هوشیار باشید! این نوع حمله در مورد عیسی از طریق پطرس رسول رخ داد. هنگامی که عیسی شروع به گفتن به حواریون کرد که او به اورشلیم می‌رود تا به جای بشر گناهکار بمیرد، پطرس شروع به سرزنش او کرد. او گفت: «هرگز، ای خداوند! این هرگز برای تو رخ نخواهد داد!» (متی ۱۶: ۲۲). خداوند منبع آن فکر را شناخت. او به پطرس (یا روحی که از طریق او سخن می‌گفت) خطاب کرد و گفت: «از پیش من دور شو، شیطان! تو برای من سنگ لغزش هستی؛ تو به امور خدا فکر نمی‌کنی، بلکه به امور انسان‌ها فکر می‌کنی» (متی ۱۶: ۲۳). مراقب زندگی فکری خود و تصاویری که به بستر ذهن شما عرضه می‌شود، باشید.

ما بدون محافظت به این نبرد فرستاده نشده‌ایم. هنگامی که با ستم، افسردگی یا جنگ روبرو می‌شویم، باید دو نکته کلیدی را به یاد داشته باشیم: اول اینکه، نبرد از آن خداوند است، و دوم اینکه، مسیح از پیش بر تمام کارهای دشمن پیروز شده است. ما به عنوان شهروندان و سفیران پادشاهی مسیح، این اختیار را داریم که قدرت او را بر نیروهای دشمن به کار گیریم (دوم قرنتیان ۵: ۲۰). هنگام دعا برای کسانی که مسیح را نمی‌شناسند، دریابید که در یک نبرد روحانی درگیر هستید و خدا به شما اقتدار داده است، همان‌طور که در لوقا ۱۰: ۱۹ آمده است: «من به شما اقتدار داده‌ام که بر مارها و عقرب‌ها پا بگذارید و بر تمام قوا و قدرت دشمن غلبه کنید؛ هیچ چیزی به شما زیان نخواهد رساند.» از خدا بخواهید هر کوری روحانی را که آنها را در تاریکی نگه می‌دارد، بشکند. افرادی که در تاریکی هستند اغلب متوجه آن نیستند و حتی خواندن کتاب مقدس نیز ممکن است چشمانشان را باز نکند. با این حال، هنگامی که ما دعا می‌کنیم و از اقتدار خود استفاده می‌کنیم، به پیروزی عیسی اعتماد داریم زیرا این نبرد از آن خداوند است!

زیرا من یقین دارم که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشتگان و نه فرمانروایی‌ها، نه آنچه اکنون هست و نه آنچه در آینده خواهد بود، نه قوا و نه ارتفاع و نه عمق، و نه هیچ مخلوق دیگری، نمی‌تواند ما را از محبت خدا که در مسیح یسوع خداوند ماست جدا سازد (رومیان ۸: ۳۸).

کاربرد عملی: چگونه هر روز در اقتدار مسیح گام برداریم

درک جنگ روحانی صرفاً از نظر فکری کافی نیست؛ ما باید ایمان خود را به کار ببندیم. در اینجا چهار راه برای به کار بستن این مطالعه در زندگی خود در این هفته آورده شده است:

۱. «جو» افکارتان را بازرسی کنید: شیاطین از طریق القا، افکاری را در ذهن می‌کارند که به صورت اول شخص بیان می‌شوند («من یک شکست‌خورده‌ام»، «من هرگز نمی‌توانم از این گناه عبور کنم»). هنگامی که یک فکر منفی، ترس‌آور یا فریبنده وارد ذهن شما می‌شود، دوم قرنتیان ۱۰: ۵ را به کار ببرید. از خود بپرسید: آیا این فکر با محبت و حقیقت عیسی همسو است؟ اگر نه، آن را با صدای بلند رد کنید.

۲. خلأ را تخلیه کنید (خانه‌تان را پر کنید): اگر در تلاش برای رهایی از یک اعتیاد، عادت بد یا چرخه مخرب هستید، فقط بر متوقف کردن رفتار تمرکز نکنید (نظافت خانه). شما باید آن را جایگزین کنید. اگر ۳۰ دقیقه چرخیدن در رسانه‌های سمی را حذف می‌کنید، آن خلأ را فوراً با حفظ آیات کتاب مقدس، عبادت یا دعا پر کنید. این فضا را خالی رها نکنید.

۳. از سر محبت عمل کنید، نه قدرت: پسران سوا شکست خوردند زیرا قدرت پولس را بدون رابطه با عیسی می‌خواستند. اقتدار معنوی حقیقی ریشه در محبت و شفقت دارد. اگر برای یکی از اعضای خانواده سرکش یا یک موقعیت تاریک در

محل کار دعا می‌کنید، اطمینان حاصل کنید که انگیزه‌تان آزادی آنها و جلال خداست—نه صرفاً راحتی خودتان یا تمایل به حق بودن.

۴. پیروزی را با قاطعیت اعلام کنید: هنگامی که حسی از حجاب روحانی سنگین بر خانه، محل کار یا وقت خلوت شخصی خود دارید، اقتداری را که در **لوقا ۱۹: ۱۰** به شما داده شده است، با صدای بلند تصدیق کنید. لازم نیست بر شیطان فریاد بزنید، اما باید با اطمینان به خود—و به قلمرو نامرئی—یادآوری کنید که عیسی اقتدار نهایی را بر زندگی شما دارد.

بیایید برای پایان کار دعای ربانی را بخوانیم: «ای پدر ما در آسمان، نام تو مقدس باد،^{۱۰} پادشاهی تو بیاید، اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز به جا آید.^{۱۱} نان روزانه‌مان را امروز به ما بده.^{۱۲} و قرض‌های ما را ببخش، چنانکه ما نیز قرضداران خود را بخشیده‌ایم.^{۱۳} و ما را در آزمایش مینداز، بلکه از شریر رهایی ده» (متی ۶: ۹-۱۳). آمین!

کیت توماس

وبسایت: www.groupbiblestudy.com

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>